

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)  
سال دوازدهم / دوره جدید / شماره ۴۵ / پاییز ۱۳۹۵  
صص ۲۷-۴۱

# بررسی اهمیت و جایگاه وحدت از دیدگاه امام علی (ع)



۲۷

بررسی اهمیت و جایگاه وحدت از دیدگاه امام علی (ع)

• محمدعلی مشایخی پور

دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث

m.mashayekh110@iran.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۲۸

## چکیده

تحقیق حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی اهمیت و جایگاه وحدت از دیدگاه امام علی (ع) می‌پردازد. نگاه امام علی (ع) به موضوع وحدت، نگاهی راهبردی و سرشار از عشق و علاقه است و اشاره حضرت به مواردی نظیر نیاز درونی و اجتماعی، تحقق‌یابی بخش عمده‌ای از آموزه‌های دینی و سعادت‌یابی جامعه اسلامی به واسطه آن، جایگاه و اهمیت ویژه مقوله وحدت را در نگاه ایشان نمایان می‌سازد. روح وحدت‌آمیز تعالیم الهی، نعمتی پراج و پر بها و ضرورت شکرگزاری آن، عزت‌آفرینی، برکت‌آوری، وجود دشمنیها و غیره از جمله مواردی است که امام علی (ع) در تشریح فلسفه و چرایی ضرورت وحدت به آنها اشاره کرده است.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، امت اسلامی، وحدت، اختلاف، استکبار.



## مقدمه

اسلام که در میان ادیان مختلف، به عنوان اجتماعی ترین دین مطرح است، بخش عمده‌ای از تعالیم آن و بلکه تمامی آن، جز در قالب جماعت و اجتماع قابلیت ظهور و اجرا نمی‌یابد و همین امر باعث شده است قدیمی‌ترین تا جدیدترین متون فقهی، اخلاقی، کلامی و ... سهم مهمی از آموزه‌های خود را به موضوع وحدت و جماعت‌گرایی اختصاص دهند. متون مقدس اسلام، مملو از مفاهیمی است که با تصریح و تلویح، مسلمانان را به وحدت دعوت کرده و از تفرقه و اختلاف برحذر داشته است.

اقوام عرب جاهلی قبل از ظهور پیامبر(ص) گرفتار تشتهای گوناگون بودند و شکافهای قومی، قبیله‌ای و ... بر زندگی آنها سایه افکنده و آنها را به تقابلهای متعدد واداشته بود و هزینه‌های سنگین مادی و معنوی بر آنها تحمیل می‌کرد. بنابراین پیامبر(ص) با ارزانی نعمت الهی وحدت حول اسلام، ارزشها و آموزه‌هایش، سبک و سیاقی جدید به زندگی عرب غوطه‌ور در تشتت و تفرق بخشید و خونی دوباره در رگهای حیات آنان جاری و آنان را واحد، منسجم، همدل، هم‌گرا و هم‌آوا کرد.

با رحلت منادی وحدت، دوباره عوامل وحدت‌گریز و وحدت‌ستیز طبقاتی و قومی، رخ نشان داد؛ رویدادهایی به وقوع پیوست که تأثیرات دیرپا و عمیقی بر تمامی جوانب اسلام تا امروز گذاشت و این رویدادها که در قالب موضوع جانشینی پیامبر(ص) مطرح است، به عمیق‌ترین، مانا‌ترین و مؤثرترین بروزگاه وحدت‌گریزی و اختلاف‌گرایی بدل شد.

در این میان امام علی(ع) با مشاهده این نابسامانیهای بس ناشکیبا و میراننده دلها، از آنجا که کیان اسلام و مسلمانی را در خطر می‌دید و از طرفی عشقی وافر بر وحدت امت پیامبر(ص) داشت، تلاش بسیاری به خرج داد، تا با صبوری هرچه تمام‌تر به هر طریق گفتاری و کرداری ممکن، وحدت امت اسلامی و بقا و دوام آنها

را حفظ نماید و همین اهتمام او باعث شد که خود را به پرچم‌دار و طلایه‌دار وحدت بدل نماید. بهره‌برداری و درس‌آموزی از سیره عملی ایشان می‌تواند ضمن از بین بردن مسائل اختلافی مرتبط با ایشان و جانشینی پیامبر(ص)، زمینه هم‌گرایی هرچه بیشتر امت اسلامی را فراهم نماید و مسائل اختلافی را به نقطه‌ای برای انسجام هرچه بیشتر امت اسلامی بدل سازد؛ مسائلی که خود زمینه بسیاری از اختلافات امت اسلامی شده است.

بر این اساس، این مقاله در صدد است به بررسی جایگاه و اهمیت وحدت از دیدگاه امام علی(ع) بپردازد، تا ضمن تبیین شایسته و برشماری ضرورت گذشته، حال و آینده این موضوع، به شناخت صحیحی از شخصیت وحدت‌آفرین ایشان - که به واسطه این موضوع به محملی برای تشتت و اختلاف بدل شده است - دست یابد و بدین وسیله محوریت حقیقی ایشان برای هم‌گرایی امت اسلامی، هرچه بیشتر روشن گردد.

## پیشینه بحث

موضوع وحدت و بحث از آن سابقه‌ای به قدمت زندگی بشر دارد، بشر آن‌گاه که پا به عرصه وجود گذاشت و روحيات و نیازهای اجتماعی خود را درک کرد و فهمید که برای رسیدن به سعادت و کمال باید با همزیستی، همکاری، همدلی و همراهی با دیگر همنوعان خود رفتار نماید، خود را نیازمند به موضوع وحدت دید. این نیازمندی باعث شد که در طول تاریخ و در ادوار مختلف حیات بشری، آثار متنوعی توسط مکاتب مختلف فکری درباره وحدت و ابعاد نظری و عملی آن به رشته تحریر درآید.

بنابراین به صورت عام در موضوع وحدت آثار به نسبت فراوانی وجود دارد که مجالی برای بررسی هرچند اجمالی آنان وجود ندارد، لیکن با توجه به اینکه محوریت این تحقیق سیره امام علی(ع) است، به صورت اختصاصی بخشی از آثاری که در زمینه

وحدت و با محوریت امام علی(ع) و در قالب کتاب و مقاله به رشته تحریر درآمده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد، تا ضمن این بررسی، تفاوت و تمایز این تحقیق با سایر تحقیقات انجام گرفته روشن شود:

امام علی اسوه وحدت، نوشته شیخ محمدجواد شری؛ کتابی است که نویسنده در سه بخش و یک خاتمه به تبیین اسوه بودن امام علی(ع) در حوزه وحدت پرداخته است. وی با میناگذاری بخشهای کتاب خود براساس ادوار حیات امام علی(ع)؛ یعنی دوران نبوت، خلفای سه‌گانه و خلافت ایشان، به تشریح مسئله پرداخته است.

وحدت در کلام و سیره امیرالمؤمنین، نوشته محمد برفی؛ نویسنده در ابتدا پس از ذکر مقدمه، به ضرورت وحدت به صورت عام و بدون محوریت بیانات امام علی(ع) می‌پردازد. در ادامه به توصیه‌های امام علی(ع) پیرامون وحدت امت اسلامی اشاره می‌نماید. سپس به بررسی موضع حضرت در دوره خلافت خلفای سه‌گانه و پس از آن در دوره حاکمیت خود، می‌پردازد.

«وحدت از منظر امام علی(ع) ریشه‌ها و شیوه‌ها»، نوشته ناهید طیبی؛ نویسنده در ابتدا به لحاظ لغوی وحدت را مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس به ضرورت وجود وحدت با استناد به آیات قرآنی و بیانات امام علی(ع) می‌پردازد. وحدت فردی (روانی)، وحدت اجتماعی - سیاسی، ریشه‌ها و عوامل، مبانی اعتقادی، رهبری وحدت‌آفرین، اکسیر محبت و وحدت‌آفرینی، آثار وحدت، تفرقه، ریشه‌ها و عوامل و ... از جمله محورهایی است که نویسنده مقاله با محوریت سخنان امام علی(ع) به تبیین و تشریح هر یک از آنها می‌پردازد. اگرچه این آثار منتشر شده در نوع و سطح خود توانسته‌اند موضوع وحدت از دیدگاه اسلامی را مورد بررسی قرار دهند و ذیل مباحث خود دیدگاه امام علی(ع) را نیز به صورت اجمال بررسی نمایند و یا اینکه به صورت اثر مستقل در حد خود توانسته‌اند بخشی از دیدگاه جامع‌الاطرف امام علی(ع) را به

صورت تفصیلی مورد بررسی قرار دهند، لیکن این اثر در صدد است با رویکرد تحلیلی و به صورت اختصاصی دیدگاه امام علی(ع) درباره جایگاه و اهمیت وحدت را مورد بررسی قرار دهد. امری که در برخی از آثار منتشر شده، به آن پرداخته نشده و یا اگر پرداخته شده، به صورت اختصاصی و تفصیلی نبوده است.

### مفهوم شناسی وحدت

وحدت (unity) از ماده «و.ح.د» در لغت به معنای انفراد و تنهایی، یکتایی، یگانگی<sup>۱</sup> و ... آمده و واحد در حقیقت چیزی است که جزء و اجزاء ندارد و یکی است. این معنی به هر موجودی اطلاق شده، تا جایی که هیچ عددی نیست، مگر اینکه با این واژه توصیف شده است، چنان‌که می‌گویند: عشرة واحدة، مائة واحدة و ألف واحد یعنی یک ده‌تایی، یک صدتایی و یک هزارتایی.

این لفظ حداقل بر شش وجه به کار می‌رود: ۱- نوع و جنس ۲- خلقت و صناع ۳- بی‌نظیری در خلقت و طبیعت ۴- تجزیه‌ناپذیری به خاطر کوچکی یا سختی ۵- یکی بودن از لحاظ عددی یا مبدأیت خطی ۶- نداشتن اجزاء و افزونی (خدای یکتا)<sup>۲</sup> که در همه این وجوه، نوعی از یکتایی و انفراد نهفته است.

با وجود وجوه مختلف معنایی این کلمه، آنچه از کلمه وحدت در این نوشتار مد نظر است، همان چیزی است که در مقابل آن تفرقه و اختلاف قرار دارد و با این وصف، این کلمه با کلمات دیگری نظیر واحد، اتحاد، همدلی، همسازگری، وفاق، تفوق، جماعت، انسجام، تواصل،<sup>۴</sup> تباذل<sup>۵</sup> و ... مترادف معنایی می‌یابد و کلماتی

۱. مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۵۷؛ المحيط فی اللغة، ج ۳، ص ۱۸۱.

۲. لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «وحدت».

۳. مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۵۷.

۴. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۵. همان.





نظیر کثرت، تفرق، تشتت، تشعب، تلون، اختلاف، تنازع، تدابر، تقاطع، تباغض و ... در نقطه مقابل این کلمه قرار می‌گیرند.

این موضوع به واسطه در نظر گرفتن جهت خاصی از آن، شائبه عدم تطبیق بر مصداقها در بادی امر ایجاد می‌نماید، لیکن با دقتی چند در محوریت مد نظر، این شائبه نیز از بین خواهد رفت، به عنوان مثال امت به مجموعه‌ای از افراد اطلاق می‌شود که وجه مشترکی مانند دین، زمان یا مکان یکسان دارند، با این وجود امت اسلامی در تعبیر پیامبر(ص)، عنوان امت واحده به خود گرفته است: «إِنَّهُمْ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ مِنْ دُونِ النَّاسِ»؛<sup>۱۵</sup> «مسلمانان جدای از بقیه مردم، یک امت هستند». در این بیان، مسلمانان، با تعبیر امت واحده یاد شده‌اند، با آنکه مسلمانان مجموعه‌ای از افراد طوایف، قبایل و تیره‌های مختلف هستند. این خود نشانگر آن است که اسلام به افراد جامعه اسلامی نگاهی ویژه دارد؛ نگاهی که در آن اشتراکات دینی اولویت و ارجحیت دارد و همین باعث شده مرزهای جغرافیایی، قومی و قبیله‌ای درنوردیده شود و دین محور اتحاد و اعتصام قرار گیرد و همین خود نظم نوینی را به دنبال آورد؛ یعنی اشتراکات دینی زمینه یکنایی و یکپارچگی آنان را فراهم ساخته است، گویا افراد جامعه اسلامی به واسطه یگانگی در خدا، نبی، دین، جهت، آرمان، هدف و ... همگی در قالب پیکری واحد قرار گرفته‌اند که در طریقی واحد حرکت می‌کنند، تا خود را به سرمنزل مقصود رسانند.

### اهمیت و ضرورت وحدت

بازشناسی دقیق اهمیت و ضرورت وحدت امت اسلامی، نیازمند شناخت شایسته نقش و جایگاه آن در حیات و ممات جامعه اسلامی است. این موضوع از طریق شناخت افق حرکت و الزاماتی که دین برای تعالی بخشی امت اسلامی ترسیم کرده، نیز قابل تبیین و تشریح است.

آموزه‌های اسلامی با تعبیر مختلف و متنوعی نظیر: اعتصموا،<sup>۱۶</sup> اصلحوا،<sup>۱۷</sup> تواصلوا،<sup>۱۸</sup> رابطوا،<sup>۱۹</sup> تعاونوا،<sup>۲۰</sup> السلم،<sup>۲۱</sup> مودت<sup>۲۲</sup> و ... بر موضوع وحدت و اهتمام به آن تأکید می‌نماید و در نقطه مقابل، از تفرقه و اختلاف با عبارات مختلفی نظیر: تفرق،<sup>۲۳</sup> اختلاف، تشعب، تشتت،<sup>۲۴</sup> تلون،<sup>۲۵</sup> تنازع،<sup>۲۶</sup> تدابر،<sup>۲۷</sup> تقاطع و ... بر حذر می‌دارد و نسبت به عواقب ناگوار آن هشدار می‌دهد. فارغ از هر چیزی، این همه تشویق به وحدت و تحذیر از تفرقه و اختلاف، خود نشانگر اهمیت فوق‌العاده و نقش تأثیرگذار آن در زندگی مسلمانان است.

اما با دقتی اندک و با تشریح بهتر نوع نگاه دین به این مسئله، نقش و اهمیت وحدت بیشتر و بیشتر روشن خواهد شد؛ توضیح آنکه انسان به مقتضای طبیعت و فطرت خود نیازمند زندگی اجتماعی است؛<sup>۲۸</sup>

۱۶. آل عمران، ۱۰۳؛ نساء، ۱۴۶ و ۱۷۵؛ مؤمنون، ۵؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۵؛ حکمت ۱۵۵؛ تصنیف غرر الحکم، ح ۵۸۴۲ و ۷۵۵۵.  
۱۷. بقره، ۱۶۰؛ نساء، ۱۴۶؛ انفال، ۱؛ نور، ۵؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۶.  
۱۸. نهج البلاغه، نامه ۴۷.  
۱۹. آل عمران، ۲۰۰.  
۲۰. مائده، ۲.  
۲۱. بقره، ۲۰۸؛ نساء، ۹۱ و ۹۰؛ نحل، ۸۷؛ محمد، ۳۵؛ نهج البلاغه، نامه ۶۵ و ۸؛ تصنیف غرر الحکم، ح ۴۹۷۹، ۶۴۲۲، ۱۰۱۶۳، ۱۰۱۶۵ و ۱۰۹۲۱.  
۲۲. شوری، ۲۳؛ ممتحنه، ۷؛ روم، ۲۱؛ نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ حکمت ۳۱۴؛ تصنیف غرر الحکم، ح ۹۳۴۲، ۹۵۲۱، ۹۷۱۰ و ۹۷۱۱.  
۲۳. آل عمران، ۱۰۳ و ۱۰۵؛ شوری، ۱۳ و ۱۴؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲؛ حکمت ۱۹۵.  
۲۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.  
۲۵. همان، خطبه ۱۷۶.  
۲۶. همان، خطبه ۱۳۳؛ نامه ۶۲.  
۲۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲؛ تصنیف غرر الحکم، ح ۹۷۴۸.  
۲۸. فلسفه ابن‌سینا، ص ۷۰.

۶. آل عمران، ۱۰۳؛ شوری، ۱۳.

۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۸. همان.

۹. همان، خطبه ۱۷۶.

۱۰. آل عمران، ۱۰۵.

۱۱. انفال، ۴۶.

۱۲. تصنیف غرر الحکم، صص ۴۰۶ و ۴۲۴.

۱۳. همان، ص ۴۶۶.

۱۴. الکافی، ج ۲، ص ۳۴۶.

۱۵. پیام پیامبر، ص ۷۴.

بدین معنا که انسان به تنهایی نمی‌تواند همه نیازهای زندگی‌اش را برآورده کند و به مشارکت دیگران برای رفع آنها نیازمند است و این نیاز، انسان را به تشکیل زندگی اجتماعی ناگزیر ساخته است.<sup>۲۹</sup> امام علی (ع) در تبیین ضرورت زندگی اجتماعی می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا يَسْتَعِينُ الرَّجُلُ وَ إِنْ كَانَ ذَا مَالٍ عَنْ عَثْرَتِهِ وَ دَفَاعِهِمْ عَنْهُ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَلْسِنَتِهِمْ وَ وَ أَلْمُهُمْ لِشَعْنِهِ وَ أَعْظَمُهُمْ عَلَيْهِ عِنْدَ نَزْلَةِ إِذَا نَزَلَتْ بِهِ»<sup>۳۰</sup> «ای مردم، آدمی هرچند توانگر بود، از عشیره خویش و دفاع آن از او، به دست و زبان، بی‌نیاز نباشد؛ زیرا عشیره هرکس، بزرگ‌ترین محافظان او هستند که از پشت سر حمایتش می‌کنند و بیش از دیگر مردم، اوضاع پراکنده او را به سامان می‌آورند و چون حادثه‌ای بر او فرود آید، از دیگران بدو مهربان‌ترند».

بنابراین انسان به واسطه نیازهای مختلفی که دارد، ناچار است در قالب اجتماع و در کنار دیگران و با همکاری و همراهی آنان، نیازهای مادی و معنوی خود را تأمین نماید. با این وجود این مسئله برای اسلام که بخش عمده‌ای از تعالیمش در قالب اجتماع موجودیت و تداوم می‌یابد، چگونه خواهد بود؟ آیا تحقق این آموزه‌ها با تنهایی و انفراد ممکن خواهد بود؟ آیا می‌توان انتظار داشت که جامعه‌ای اسلامی و قرآنی باشد، ولی مؤمنان در آن، جهت تحقق احکام اسلام گرد هم نیامده و با هم همدل و همراه نباشند؟ آیت‌الله شاه‌آبادی در این باره می‌گوید: «قرآن مجید با اسلام انفرادی مناسبت ندارد؛ زیرا قرآن نمی‌فرماید: به تنهایی نماز کن، بلکه علاوه بر آن، تولید نمازگزار و اقامه صلوٰه را بر عهده مسلمین گذارده. قرآن نمی‌فرماید: تنها تحریر از زنا نما، بلکه علاوه بر آن، حفظ عقد و منع از وقوع زنا را در عالم از وظایف ما، مقرر فرموده ... قناعت به اسلام انفرادی از اسباب مهلکه است».<sup>۳۱</sup>

قرآن برای از بین بردن رویکرد انفراد و حاکمیت جماعت، راهبرد «اخوت و برادری» مسلمانان را - به‌رغم نبود ارتباط حسبی و نسبی - برگزیده است، تا از این طریق دستورات حیات‌بخش اسلام را - که بخش عمده‌ای از آنها تنها در سایه اتخاذ چنین رویکردی قابلیت ظهور و شکوفایی دارند - به عرصه عمل و اجرا وارد سازد، تا فرد مسلمان بتواند زمینه رشد و تعالی بخشی خود را فراهم آورد. بر این اساس قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»<sup>۳۲</sup> «در حقیقت مؤمنان باهم برادرند». امام علی (ع) نیز در این باره می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمَ أَخُو الْمُسْلِمِ فَلَا تَنَابَزُوا وَ لَا تَخَادَلُوا فَإِنَّ شَرَائِعَ الدِّينِ وَاحِدَةٌ وَ سُبُلُهُ قَاصِدَةٌ مَنْ أَخَذَ بِهَا لِحِقَ وَ مَنْ تَرَكَهَا مَرَقَ وَ مَنْ فَارَقَهَا مُحِقٌّ»<sup>۳۳</sup> «همانا هر مسلمانی با مسلمان دیگر برادر است. پس القاب زشت بر هم ننهید و دست از یاری هم نشوید که همانا شرایع و قوانین دین یکی و راههای آن هموار و مستقیم است، هرکه قدم در آن نهد، به مقصد رسد و غنیمت برد و هرکه بدان راه نرود، گمراه شود و پشیمانی برد». همچنین فرموده است: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ، فَلَا يُعْشَهُ وَ لَا يَعْيبُهُ، وَ لَا يَدْعُ نُصْرَتَهُ»<sup>۳۴</sup> «مؤمن برادر مؤمن است، فریبش نمی‌دهد و از او عیب‌جویی نمی‌کند و دست نصرتش را از او باز نمی‌دارد». امام صادق (ع) نیز در روایتی دیگر این‌گونه می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنْ أَشْتَكَى شَيْئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ وَ أَرْوَاحُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ»<sup>۳۵</sup> «مؤمن برادر مؤمن است، مانند پیکیری واحد که هرگاه عضوی را دردی رسد اعضای دیگر هم احساس درد کنند و [همین‌طور] ارواح آنان نیز از یک روح است».

اخوت نزدیک‌ترین رابطه عاطفی میان دو انسان است که براساس مساوات پایه‌ریزی شده است. دین اسلام

۳۲. حجرات، ۱۰.

۳۳. الامالی، ص ۲۳۴.

۳۴. دستور معالم الحکم و مآثور مکارم التسیم، ص ۲۶.

۳۵. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶.

۲۹. حجرات، ۱۰.

۳۰. نهج البلاغه، خطبه ۲۳.

۳۱. شذرات المعارف، صص ۴ و ۶۷.





با این عبارات سطح پیوند علایق و ارتباط مسلمانان را به قدری بالا برده که به صورت نزدیک‌ترین پیوند دو انسان با یکدیگر آن هم پیوندی براساس مواسات و مساوات درآمده است.

با حاکم شدن روحیه و فرهنگ برادری در جامعه، به طور طبیعی و مانند دو برادر حسبی و نسبی که نسبت به هم وظایف و مسئولیت‌هایی دارند، افراد جامعه ایمانی و اسلامی نیز نسبت به هم وظایف و مسئولیت‌هایی دارند؛ به این معنی که در مقابل ایجاد این رابطه و اجرای درست آن، مسئولیت‌هایی در برابر هم دارند که آموزه‌های اسلامی به آنها نیز اشاره کرده است.

چشم،<sup>۳۶</sup> آئینه،<sup>۳۷</sup> دلیل و راهنما،<sup>۳۸</sup> همدردی و همراهی در شادی و حزن،<sup>۳۹</sup> عدم خیانت و خدعه،<sup>۴۰</sup> عدم ظلم،<sup>۴۱</sup> عدم تکذیب و غیبت، سود رسانی،<sup>۴۲</sup> عدم افترا و تهمت،<sup>۴۳</sup> عاطفه‌ورزی،<sup>۴۴</sup> تواصل و تعاهد و ...<sup>۴۵</sup> از جمله مسئولیت‌هایی است که فرد مسلمان در برابر برادر دینی خود برعهده دارد. به طور طبیعی آنچه زمینه اجرای هرچه بهتر این موارد را فراهم خواهد ساخت، حاکمیت اخوت، همدلی و هم‌زبانی بین افراد جامعه اسلامی است و در واقع باید گفت «اخوت» چون نخ تسبیحی است که حلقه مؤمنان را به هم متصل می‌نماید و آن‌گاه حرکت یکی به حرکت و جنبش دیگری خواهد انجامید.<sup>۴۶</sup> به بیان دیگر بخش عمده‌ای از تعالیم دینی در بستر اجتماع و در سایه وحدت، اتحاد و انسجام جامعه اسلامی قابلیت پیاده‌سازی

۳۶. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۳۷.

۳۷. همان.

۳۸. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶.

۳۹. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۷.

۴۰. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۷؛ الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶؛ تحف العقول، ص ۱۱۲.

۴۱. همان.

۴۲. همان.

۴۳. همان.

۴۴. همان.

۴۵. تصنیف غرر الحکم، ص ۷۹.

۴۶. دستور معالم الحکم و مأثور مکارم الشیم، ص ۱۵.

دارد. همان چیزی که در آموزه‌های اسلامی با عنوان اخوت دینی مطرح است که این خود نیز زمینه مناسب را برای پیاده‌سازی هرچه بیشتر و بهتر تعالیم قرآن در بستر اجتماع فراهم می‌سازد و این امر ضمن تحقق جامعه آرمانی اسلامی، زمینه تکامل و بالندگی فرد فرد جامعه اسلامی را فراهم خواهد ساخت و در واقع باید گفت: لازمه پیاده‌سازی و اجرای دستورات اسلام به توجه به اصل وحدت جامعه ایمانی وابسته است. این موضوع خود نیز تأکیدی دیگر بر ضرورت حاکمیت اخوت دینی خواهد بود.

نکته دیگری که باید در این میان مورد توجه قرار گیرد، این است که روح حاکم بر آموزه‌های قرآنی، خود نیز وحدت‌انگیز است؛ به این معنی که با وجود خدای واحد، دین واحد، نبی واحد، مسیر واحد، هدف و آرمان واحد و ... باید بین مسلمانان شاهد گفتار و کردار واحد در اجرای شایسته تعالیم دینی باشیم و اگر غیر از این باشد، مشکل از ناحیه خود مسلمانان است. امام علی (ع) با تأکید بر این موضوع، سرچشمه تشمت و اختلافات بین مسلمانان را ناشی از عدم شناخت و اجرای درست و شایسته این تعالیم می‌داند و در این باره می‌فرماید: «أَفَأَمْرُهُمُ اللَّهُ [تَعَالَى] سُبْحَانَهُ بِالْاِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ أَمْ نَهَاهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ... وَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ وَ فِيهِ [تَبَيَّنَ كُلُّ] تَبَيَّنَ لِكُلِّ شَيْءٍ وَ ذَكَرَ أَنَّ الْكِتَابَ يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَ أَنَّهُ لَا اِخْتِلَافَ فِيهِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اِخْتِلَافًا كَثِيرًا»؛<sup>۴۷</sup> «آیا خدای سبحان، آنها را به اختلاف، امر فرمود که اطاعت کردند؟ یا آنها را از اختلاف پرهیز داد و معصیت خدا نمودند؟ در حالی که خدای سبحان می‌فرماید: «ما در قرآن چیزی را فروگذار نکردیم». و فرمود: «در قرآن بیان هر چیزی است». یادآور شدیم که بعض قرآن گواه بعض دیگر است و اختلافی در آن نیست. پس خدای سبحان فرمود: «اگر قرآن از طرف غیر خدا

۴۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۸.

نازل می‌شد، اختلافات زیادی در آن می‌یافتند».

روح حاکم بر آموزه‌های وحیانی خود وحدت‌انگیز است و به طور طبیعی نباید شاهد تشتت و اختلافی در بین افراد جامعه اسلامی بود و اگر اختلافی باشد، معلوم است که این آموزه‌ها به خوبی و درستی فهم نشده و به روح حاکم بر آنها دقتی صورت نگرفته است. بنابراین توفیق‌یابی در تمسک و اعتصام حقیقی به این محورهای واحد، خود نعمتی بزرگ است که خداوند متعال بر آن تأکید می‌نماید و در مقابل عدم توفیق و غوطه‌ور شدن در تفرقه، تشتت و اختلاف را در ردیف عذابهای بزرگ الهی برشمرده است.<sup>۴۸</sup> قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»؛<sup>۴۹</sup> «و همگی به ریسمان الهی چنگ زنید، و پراکنده نشوید و نعمت خدا بر خود را یاد کنید». علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌گوید: «شاید وجه اینکه اعتصام به حبل الله و متفرق نشدن را نعمت خدا خوانده، و فرموده: «وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» اشاره به همین معنایی باشد که ما خاطر نشان ساختیم؛ یعنی خواسته باشد بفرماید، اگر شما را به اعتصام و عدم تفرقه می‌خوانیم، بی‌دلیل نیست؛ دلیل بر اینکه شما را بدان دعوت کرده‌ایم، همین است که خود به چشم خود ثمرات اتحاد و اجتماع و تلخی عداوت و حلاوت محبت و الفت و برادری را چشیدید و در اثر تفرقه در لبه پرتگاه آتش رفتید و در اثر اتحاد و الفت از آتش نجات یافتید... بدانید این تمسک به حبل الله و اتحاد شما نعمتی است از ناحیه ما و در نتیجه متوجه شوید که تمامی دستوراتی که ما به شما می‌دهیم، همه‌اش مثل این دستور به نفع شما است و سعادت و راحت و رستگاری شما را تأمین می‌کند».<sup>۵۰</sup> بنابراین هم روح حاکم بر قوانین الهی وحدت‌انگیز است و هم خداوند متعال راهبرد اخوت را برای پیاده‌سازی هر چه بهتر

و بیشتر تعالیم الهی برای جامعه اسلامی و ایمانی برگزیده است، تا در سایه وحدت و همدلی زمینه رشد، تعالی فردی و اجتماعی خود و جامعه اسلامی را فراهم سازند.

اسلام و مسلمانانی که به واسطه تمسک، توجه و به کارگیری تعالیم عزت‌آفرین و تعالی‌بخش الهی<sup>۵۱</sup> و در سایه وحدت، تعاون، همدلی، هم‌زبانی و یک‌رنگی،<sup>۵۲</sup> در مسیر عزت و سیادت طی طریق می‌نمایند، دشمنانی دارند؛ دشمنانی که عزت روزافزون مسلمانان را برابر با خواری خود می‌دانند؛<sup>۵۳</sup> عزتی که ناشی از تمسک و اعتصام مسلمانان به دین بوده و مایه ظفریابی آنان بر دشمنان خود شده است.<sup>۵۴</sup>

با این اوصاف، دشمنان اسلام که بغض اسلام و مسلمانی را در دل دارند<sup>۵۵</sup> و نمی‌توانند عزت و سیادت روزافزون مسلمانان را مشاهده نمایند و نمی‌خواهند خیری به مسلمانان برسد،<sup>۵۶</sup> تلاش می‌کنند از هر فرصتی و حربه‌ای برای ضربه‌زدن به مسلمانان استفاده نمایند، تا مانع پیشرفت آنان شده و آنان را از اسلام و مسلمانی دور و مانند خود گمراه کنند و به کیش خود درآورند.<sup>۵۷</sup> آنها به خوبی می‌دانند آنچه موجب عزت و پیشرفت روزافزون مسلمانان شده، همان وحدت، همدلی و اجتماع آنها<sup>۵۸</sup> حول ریسمان وحدت‌آفرین اسلام است. بنابراین بیشترین تلاش خود را برای خدشه‌دار کردن وحدت و انسجام مسلمانان به کار می‌گیرند، تا از این طریق زمینه تشتت و تفرق بین مسلمانان را فراهم سازند و آنها را ضعیف نمایند و به راحتی بر آنها یورش برده و بر آنها چیره شوند. وجود اختلافات دینی و مذهبی و برجسته‌سازی آنان

۵۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸؛ تصنیف غرر الحکم، ص ۸۶.

۵۲. آل عمران، ۱۰۳؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶.

۵۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.

۵۴. تصنیف غرر الحکم، ص ۸۶.

۵۵. آل عمران، ۱۱۸.

۵۶. بقره، ۱۰۵.

۵۷. آل عمران، ۶۹؛ نساء، ۸۹؛ ممتحنه، ۲؛ نهج البلاغه، خطبه ۲۸۷.

۵۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶.

۴۸. نهج الفصاحه، ص ۴۳۳.

۴۹. آل عمران، ۱۰۳.

۵۰. المیزان، ج ۳، ص ۳۶۹.





توسط استکبار در ادوار مختلف تاریخ، خود تأییدی بر این ادعا است. رمز موفقیت دشمنان در شکست هیمنه مسلمانان و عزت و سیادت آنان، دامن زدن به مواردی است که بوی تشمت و اختلاف از آنها به مشام می‌رسد. بر همین اساس، امام علی(ع) بالاترین عامل شکست، ذلت و سقوط امت اسلامی را تفرقه و اختلاف دانسته و با کمال صراحت، فتنه‌انگیز و تفرقه‌افکن را مستوجب قتل می‌داند، و نه تنها تفرقه‌افکن را سزاوار چنین عقوبتی می‌داند، بلکه حتی کسی را که شعار تفرقه سردهد، سزاوار قتل برمی‌شمارد: «وَالزُّمُومُ السَّوَادُ الْأَعْظَمُ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّنْبِ أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشُّعَارِ فَاقْتُلُوهُ وَلَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ»<sup>۵۹</sup> «به جمعیت عظیم مسلمانان ببینید، که دست [قدرت و عنایت] خدا با جماعت است؛ زیرا آن‌که از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهره شیطان است، چنان‌که گوسفند که از گله درماند، نصیب گرگ بیابان است. آگاه باشید هر کس که مردم را به این شعار [تفرقه و جدایی] دعوت کند، او را بکشید، هر چند که زیر عمامه من باشد».

بنابراین ضرورت بحث از وحدت و اتحاد، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود، به ویژه آنکه هم تکامل و پیشرفت لازمه همیشگی جهان اسلام است و هم تلاش دشمنان برای به ذلت کشاندن، گمراهی و تضعیف مسلمانان همیشگی بوده است. با وجود این دشمنیها و استفاده دشمنان از زمینه‌های اختلاف‌برانگیز در بین مسلمانان، سخن گفتن از یکی از همین موارد - امام علی(ع) و ولایت او - که خود برای برخی سرمنشأ اختلاف و تشمت به حساب آمده است، خود می‌تواند عامل بسیار مهمی برای رفع اختلافات و هم‌گرایی هر چه بیشتر بین مسلمانان باشد.

نکته‌ای که باید در این راستا مد نظر قرار گیرد، این است که سخن گفتن از وحدت به معنای ارائه نظرات و

دیدگاههای یکسان و دست‌برداری مذاهب مختلف از عقاید خود نیست، بلکه به معنای آن است که با وجود تضارب افکار و آراء و انتقادهای سازنده - که نتیجه طبیعی برخی از اعتقادات و احکام مورد تأکید دین نیز هست - با حفظ و احترام به عقاید مذهبی، همه افراد و گروههای جامعه اسلامی، حول محورهای مشترک مورد تأکید دین، متحد و یکپارچه شوند و در قبال سیاستها و اقدامات خصمانه و تفرقه‌افکنانه دشمنان اسلام و مسلمانی مانند ید واحد عمل نمایند، تا ضمن تأمین و حفظ سیادت خود، زمینه شکست دشمنان قسم‌خورده خود را فراهم و تعالی و تکامل خود را در پرتو تعالیم حیات‌بخش اسلام دنبال نمایند و این همان چیزی است که از وحدت و اتحاد جامعه اسلامی مد نظر است و در این تحقیق با محوریت امام علی(ع) دنبال می‌شود.

### چرایی محوریت یابی دیدگاه امام علی(ع) در بررسی اهمیت و جایگاه وحدت

نقطه مقابل وحدت و اتحاد، تفرقه و تشمت است و دشمنان اسلام تلاش دارند از طریق شناسایی نقاط اختلافی بین مسلمانان و برجسته‌سازی و دامن زدن به آنها، زمینه تفرقه و تشمت هر چه بیشتر مسلمانان را فراهم سازند. اختلافات مذهبی بین مذاهب مختلف اسلامی، ابزار بسیار مناسبی است که دشمنانشان توانسته‌اند از آن استفاده‌های حداکثری را برای دستیابی به مقاصد شوم خود برند. هنر آن است که مسلمانان از همین عوامل به ظاهر اختلاف‌برانگیز، پلی برای وحدت و انسجام هر چه بیشتر خود فراهم سازند. از جمله مواردی که خود سرمنشأ اختلاف بین مسلمانان مذاهب مختلف شده است، موضوع امام علی(ع) و پذیرش ولایت ایشان است.

بررسی شخصیت وحدت‌بخش و وحدت‌آفرین این امام و بازشناسی سیره گفتاری و کرداری ایشان، می‌تواند ضمن از بین بردن بسیاری از اختلافات موجود، زمینه



همدلی و همراهی هرچه بیشتر امت اسلامی را فراهم سازد. این موضوع خود نیز زمینه سوءاستفاده دشمنان را از بین خواهد برد. اثری که به واسطه تشریح و تبیین درست این موضوع پدید خواهد آمد، به مراتب بیشتر و بهتر از طرق دیگری است که معمولاً در قالب توصیه و سفارش برای حفظ وحدت و همدلی دنبال می‌شود؛ یعنی تبیین و تشریح موارد اختلافی، زمینه بسیار مناسب‌تری را برای ایجاد وحدت و همدلی امت اسلامی فراهم خواهد ساخت.

امام علی(ع)، عمری در راه وحدت امت اسلامی تلاش کرد و حریص‌ترین فرد برای یکپارچگی امت پیامبر(ص)<sup>۶۰</sup> بود. ایشان در دوران زندگی خود، حتی با ایثار جان، مال و سکوت در برابر حقوق خود، برای هم‌گرایی هرچه بیشتر امت اسلامی تلاش کرد. بی‌گمان و بدون هرگونه طرف‌داری باید گفت: در کنار سایر فضایل بی‌ظنیر این مرد خدا، به یقین ایشان رهبر و الگوی همه رهبران و علمای تقریبی گذشته، حال و آینده خواهد بود. در حق این مرد بزرگ جفا خواهد بود که او را سرمنشأ اختلاف و تشتت بخوانیم، بلکه اگر تأملی چند در فضایل، افکار و اقدامات ایشان انجام گیرد، این حقیقت روشن خواهد شد که او خود منشأ و آیین تمام‌نمای وحدت و اتحاد امت اسلامی بوده است و درک درست این موضوع، خود اختلافات به وجود آمده را از بین برده و وحدت و همدلی را جایگزین خواهد کرد. بر این اساس نویسنده در صدد است به بررسی جایگاه وحدت از دیدگاه امام علی(ع) بپردازد، تا ضمن تبیین درست محورها و موضوعات، ایشان را به عنوان محور و الگویی برای وحدت، همدلی و هم‌گرایی امت اسلامی معرفی نماید.

**فلسفه و چرایی وحدت و ضرورت آن در نگاه امام علی(ع)**

نگاه امام علی(ع) به موضوع وحدت، نگاهی راهبردی و اساسی است که از عمق عشق و علاقه ایشان به

۶۰. همان، حکمت ۷۸.

پیامبر(ص) و تداوم حیات دین و امتش برمی‌خیزد. ایشان تداوم خط اسلام و مسلمانی را به عنوان یک اصل اساسی و مهم، سرلوحه فعالیت‌های خویش قرار داده بود و با تمام وجود و تا آخرین لحظه عمر خویش به هر آنچه این مهم را تحقق می‌بخشد، اهتمام ویژه داشت و حتی لحظه‌ای از این مهم غفلت نورزید. ایشان در تشریح و تبیین وحدت به عنوان یکی از اصول راهبردی تضمین‌کننده حیات امت اسلامی، به عوامل زیر اشاره دارد:

### ۱) روح وحدت‌آمیز تعالیم الهی

نظام حاکم بر آفرینش، نظام توحید و وحدت‌گرایی است. آفرینش بر مبنای وحدت و نظم واحد آفریده شده است. اقبال لاهوری می‌گوید:

برگ و ساز کائنات از وحدت است / اندرین عالم حیات از وحدت است.<sup>۶۱</sup>

اسلام دین وحدت‌بخش است. امام علی(ع) در بیانات خود بر خاصیت وحدت‌انگیزی دین اسلام، تأکید و آن را به عنوان دست‌آورد دعوت الهی پیامبر(ص) معرفی کرده است: «قَدْ صُرِفَتْ نَحْوَهُ أَفْنَدَةُ الْأَبْرَارِ وَ تُنْبِتُ إِلَيْهِ أَرْزَمَةُ الْأَبْصَارِ دَفَنَ اللَّهُ بِهِ الضَّعَائِنَ وَ أَطْفَأَ بِهِ الشَّوَاظِرَ أَلْفَ بِهِ إِخْوَانًا وَ فَرَّقَ بِهِ أَقْرَانًا»<sup>۶۲</sup> «دل‌های ابرار به سوی او می‌گروید و چشم‌ها به جانبش می‌گردید. خداوند، با او کینه‌ها را دفن و آتشها را خاموش کرد، با او میان دل‌ها الفت و مهربانی ایجاد کرد [بیگانگانی را پیوند برادری داد]، و خویشاوندانی را پراکند». ایشان در کلامی دیگر به اهمیت مأموریت خداوند به پیامبر(ص) برای ایجاد وحدت و همدلی و الفت بین مسلمانان اشاره کرده است و در این باره می‌فرماید: «فَصَدَعَ بِمَا أَمَرَ بِهِ وَ بَلَغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ فَلَمَّ اللَّهُ بِهِ الصَّدْعَ وَ رَتَّقَ بِهِ الْفُتْقَ وَ أَلَفَ بِهِ الشَّمْلَ بَيْنَ ذَوِي الْأَرْحَامِ بَعْدَ الْعِدَاوَةِ الْوَاغِرَةِ فِي الضُّدُورِ وَ الضَّغَائِنِ الْقَادِحَةِ فِي الْقُلُوبِ»<sup>۶۳</sup> «آنچه را پیامبر به آن مأمور شده بود بیان کرد، و رسالات

۶۱. کلیات اقبال لاهوری، ص ۴۱۸.

۶۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۶.

۶۳. همان، خطبه ۲۳۱.





پروردگارش را ابلاغ نمود، خداوند هم به وسیله او از هم گسیختگیهای اجتماعی را نظام داد، و پراکندگی را به هم پیوست، و بین خویشاوندان پس از دشمنی کینه‌افکن در سینه‌ها، و کینه‌های آتش زنده در دلها، الفت ایجاد نمود».

دین اسلام خود متحدکننده است<sup>۶۴</sup> و با تعالیم وحدت‌انگیزانه خود زمینه هم‌گرایی، همدلی و وحدت مسلمانان را فراهم ساخته است. به واسطه دین خدا، مسلمانان به‌رغم نداشتن ارتباط نسبی و حسبی باهم برادر و همدل شده‌اند.<sup>۶۵</sup> علاوه بر روح وحدت‌انگیز تعالیم اسلامی، اصول مشترک بین مسلمانان زمینه وحدت و هم‌گرایی آنها را فراهم ساخته است. شهید مطهری در این باره می‌گوید: «مسلمین [کسانی‌اند که] خدای یگانه را می‌پرستند و به نبوت رسول اکرم (ص) ایمان و اذعان دارند. کتاب همه، قرآن، و قبله همه، کعبه است. باهم و مانند هم حج می‌کنند، و مانند هم نماز می‌خوانند و مانند هم روزه می‌گیرند، و مانند هم تشکیل خانواده می‌دهند و دادوستد می‌نمایند و کودکان خود را تربیت می‌کنند و اموات خود را دفن می‌نمایند و ... و در واقع مسلمین یک جهان‌بینی و فرهنگ مشترک و تمدن عظیم و سابقه تاریخی درخشان دارند».<sup>۶۶</sup>

امام علی (ع) در تشریح اهمیت و جایگاه وحدت، بر این نکته تأکید دارد که تعالیم الهی به وحدت فراخوانده‌اند؛ بن‌مایه و رومایه آنها ندای وحدت سر می‌دهند و در تمامی سطوح آنها، وحدت به عنوان یک اصل محوری مطرح است و اصولاً باید گفت: بخش عمده‌ای از تعالیم دینی به واسطه توجه به این اصل مهم، قدرت ظهور و بروز خواهند داشت. حضرت با این بیانات در واقع ضمن اشاره به محوریت وحدت در جهان هستی و در تعالیم اسلامی، بر این نکته تأکید کرده است که اگر به درستی به تعالیم اسلامی - که

سراسر وحدت و وحدت‌گرایی است - عمل شود، دیگر نباید شاهد تشتت و اختلافی بود و اگر چیزی غیر از این باشد، ناشی از عدم اجرای درست تعالیم اسلامی است. ایشان در بیانی این‌گونه می‌فرماید: «إِلَهُهُمُ وَاحِدٌ وَ نَبِيُّهُمْ وَاحِدٌ وَ كِتَابُهُمْ وَاحِدٌ فَأَمْرُهُمُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِالْاِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ؟ أَمْ نَهَاَهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ»<sup>۶۷</sup> «خدایشان یکی، پیغمبرشان یکی، و کتابشان یکی است. آیا خدای سبحان آنها را به اختلاف امر فرمود که اطاعت کردند؟ یا آنها را از اختلاف پرهیز داد و معصیت خدا نمودند؟». شاید بتوان گفت که آشنایی و آگاهی امام علی (ع) با این تعالیم و روح حاکم بر آنها بوده که ایشان را حریص‌ترین فرد بر وحدت امت پیامبر (ص) قرار داده است.

**۲) نعمتی پراج و پربها و ضرورت شکرگزاری آن**  
شکرگزاری در برابر برکات و نعمتهای مستمر و مداوم الهی، ضرورت و حداقل شرط بندگی الهی است؛<sup>۶۸</sup> نخستین وظیفه واجب انسان در قبال خدای سبحان، سپاسگزاری از نعمتها و فراهم آوردن موجبات خشنودی او است.<sup>۶۹</sup> این شکرگزاری در برابر نعمتهای بزرگ‌تر الهی، باید به شکل بیشتر و بهتری مورد توجه و اهتمام قرار گیرد. امام علی (ع) وحدت را نعمت و فیضی از ناحیه خداوند متعال دانسته که به واسطه آن بر مسلمانان منت نهاده است: «فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ أَمَّنَ عَلَيَّ جَمَاعَةَ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأَلْفَةِ الَّتِي [يَتَقَلَّبُونَ] يَنْتَقِلُونَ فِي ظِلِّهَا وَ يَأْوُونَ إِلَيَّ كُنْفِهَا بِنِعْمَةٍ»<sup>۷۰</sup> «همانا خدای سبحان بر جماعت این امت، منت گذارده و بین آنان الفت و اتحاد ایجاد کرده است، تا در سایه‌اش بیارامند و در پناهش بیاسایند».

تعبیر منت الهی درباره وحدت، بیانگر اهمیت بسیار آن است؛ زیرا به اعطای هر نعمت سنگین و گران‌بهایی

۶۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۸.

۶۸. «ضرورت شکرگزاری از نعمتهای معنوی»، ص ۵.

۶۹. تصنیف غرر الحکم، ص ۱۸۱.

۷۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۶۴. همان، خطبه ۳۹.

۶۵. همان، خطبه ۱۱۳.

۶۶. مجموعه آثار، ج ۲۵، ص ۲۶.

منت گفته می‌شود،<sup>۷۱</sup> چنان‌که خداوند متعال از بعثت پیامبر(ص) به عنوان منت یاد کرده است.<sup>۷۲</sup> امام علی(ع) در ادامه، در خصوص چرایی یادکرد آن با این وصف، این‌گونه می‌فرماید: «لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا قِيَمَةً لِأَنَّهَا أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ ثَمَنٍ وَ أَجَلٌ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ»<sup>۷۳</sup> «هیچ‌یک از آفریدگان ارزش آن را نمی‌دانند؛ زیرا آن نعمت از هر بهایی بالاتر و از هر رتبت و منزلتی گران‌قدرتر است».

در این بیانات، حضرت نعمت وحدت و برادری را نعمتی می‌داند که در سایه آن، آرامش، قرار و آسایش حاصل می‌شود. ابن‌میثم شارح نهج البلاغه ذیل این کلمات، این‌گونه می‌نویسد: «حضرت در صدد است با برشماری جایگاه وحدت، مردم را بیشتر ترغیب نماید که باهم انس بگیرند و الفت و دوستی را میان خودشان برقرار سازند و مهم‌ترین نعمتی که در ارزش‌مندی کسی را توان آن نیست که بهایی برایش تعیین کند، و خداوند به علت آن بر جامعه منت گذارده است، نعمت اتحاد، محبت و الفت می‌باشد، به علت منافع عظیم و دفع ضررهای فراوانی که در آن وجود دارد، و دلیل اینکه هیچ‌کس از عهده ارزشیابی این نعمت بر نمی‌آید، آن است که این نعمت از هر بهایی با ارزش‌تر و از هر عظمتی برتر می‌باشد؛ زیرا دوستی با همدیگر و اجتماع و تعهد مردم نسبت به مسائل دینی بزرگ‌ترین سبب آمادگی و شایستگی جامعه به منظور سعادت دنیا و آخرت می‌باشد».<sup>۷۴</sup>

به راستی این چه نعمتی است که امام علی(ع) آن را این‌گونه توصیف کرده است. چه جایگاه و مقامی دارد که خود را در رتبه و بها بی‌نظیر کرده است. چنین نعمتی با این همه اجر و بهای بی‌نظیر و بی‌بدیل، آیا نیاز به شکرگزاری ندارد؟ آیا با این همه جایگاه، بی‌توجهی و کم‌توجهی به آن سزاوار است؟ آیا می‌توان گفت پاسداشت و شکرگزاری این نعمت الهی می‌تواند چیزی

غیر از اهتمام و توجه هرچه بیشتر به آن در تمامی ابعاد بین افراد جامعه اسلامی باشد. مگر نه این است که شکرگزاری نعمتها موجب تداوم آنها و نیز زمینه‌ساز نعمتهای بیشتر الهی می‌شود<sup>۷۵</sup> و عدم شکرگزاری شایسته، زمینه‌ساز از دست دادن نعمتها است.<sup>۷۶</sup> بنابراین حضرت با این عبارات اهمیت و ضرورت وحدت را مورد توجه قرار داده است. ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «وَ أَنْقَادَتِ النَّعْمَةَ لَهُ مَعَهُمْ ... مِنَ الْاجْتِنَابِ لِلْفُرْقَةِ وَ اللَّزُومِ لِلْأُلْفَةِ وَ التَّحَاضُّ عَلَيْهِا وَ التَّوَاصِي بِهَا»<sup>۷۷</sup> «نعمت بر آنان فراوان شد ... به واسطه دوری از تفرقه و التزام به الفت و تشویق و وصیت به آن».

### ۳) عزت‌آفرینی

عزت‌آفرینی از جمله آثاری است که به واسطه وحدت و نگهداری از آن، نصیب جامعه اسلامی خواهد شد. امام علی(ع) در خطبه‌های خود، عامل همه خوشبها، برخورداریه‌ها، عزت و شرف ملت‌های گذشته را دوری گزیدن از پراکندگی و جدایی و ملازم شدن با الفت و وحدت می‌داند و مردم را به یگانگی و حفظ وحدت و الفت تشویق می‌کند.<sup>۷۸</sup> ایشان ضمن سفارش به تفکر در احوال گذشتگان، دلیل عزت‌یابی آنان را این‌گونه بیان می‌کند: «فَإِذَا تَفَكَّرْتُمْ فِي تَفَاوُتِ حَالِهِمْ فَالْزُمُوا كُلَّ أَمْرٍ لَزِمَتِ الْعِزَّةُ بِهِ شَأْنَهُمْ ... وَ وَصَلَتِ الْكِرَامَةُ عَلَيْهِ حَبْلُهُمْ مِنَ الْاجْتِنَابِ لِلْفُرْقَةِ وَ اللَّزُومِ لِلْأُلْفَةِ وَ التَّحَاضُّ عَلَيْهِا وَ التَّوَاصِي بِهَا»<sup>۷۹</sup> «پس آن‌گاه که در زندگی گذشتگان مطالعه و اندیشه می‌کنید، عهده‌دار چیزی باشید که عامل عزت آنان بود، ... که از تفرقه و جدایی اجتناب کردند، و بر وحدت و همدلی همت گماشتند، و یکدیگر را به وحدت واداشته به آن سفارش کردند».

عزت‌حالتی در انسان است که مانع مغلوب شدن او در



۷۵. ابراهیم، ۷؛ تصنیف غرر الحکم، ص ۲۷۹.

۷۶. تصنیف غرر الحکم، ص ۲۷۹.

۷۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۷۸. نهج البلاغه از دیدگاه مقام معظم رهبری، ص ۴۹.

۷۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۷۱. المیزان، ج ۱۶، ص ۹؛ تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۵۸.

۷۲. آل عمران، ۱۶۴.

۷۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۷۴. شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۳۰۲.



مقابل دشمنان می‌گردد.<sup>۸۰</sup> امام علی(ع) در این کلمات به مخاطبان خود عرضه می‌دارد که اگر به دنبال عزت، شأن و جایگاه واقعی هستید، وحدت و هم‌گرایی را دنبال کنید که این خود باعث می‌شود عزتمندترین و قدرتمندترین افراد در روی زمین باشید. ایشان در کلامی دیگر می‌فرماید: «فَانظُرُوا كَيْفَ كَانُوا حَيْثُ كَانَتِ الْأُمَلَاءُ مُجْتَمِعَةً وَالْأَهْوَاءُ مُؤْتَلَفَةً وَالْقُلُوبُ مُعْتَدِلَةً وَالْأَيْدِي مُتَرَادِفَةً وَالسُّيُوفُ مُتَنَاصِرَةً وَالْبَصَائِرُ نَافِذَةً وَالْعَزَائِمُ وَاحِدَةً أَلَمْ يَكُونُوا أَرْبَابًا فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِينَ وَمُلُوكًا عَلَى رِقَابِ الْعَالَمِينَ»<sup>۸۱</sup> «بنگرید که آنها چگونه بودند، هنگامی که جمعیت‌هایشان متحد و خواسته‌هایشان متفق و دل‌هایشان معتدل و دست‌هایشان پشتیبان هم و شمشیر‌هایشان در راه کمک به یکدیگر بود و دیده‌هایشان نافذ و اراده‌هایشان واحد بود. آیا آنها صاحبان اقطار زمین نشدند و آیا زمامداران جهان‌ها نگشتند؟».

یک جامعه وقتی زنده و پایدار می‌شود و در قله مقتدرترینها قرار می‌گیرد که افراد آن، همه از حیث اندیشه و فکر و عقیده و مرام با یکدیگر یگانگی و وحدت، و بر یاری و پشتیبانی یکدیگر اهتمام داشته باشند. با این وجود، خواهند توانست از منافع خود دفاع کنند و پایه‌های قدرت و پیشرفت خود را تثبیت نمایند. شاید بتوان گفت: با الهام از همین روایات و نمود عملی آن در صحنه عمل بود که امام خمینی(ره) در وصف چرایی پیروزی انقلاب اسلامی و عزت‌یابی ملت مسلمان ایران بیان می‌دارد: «با آنکه بی‌ساز و برگ بودیم و ملت ما در دستش از تفنگ و آلات جنگی چیزی نبود، به واسطه قدرت ایمان و وحدت کلمه بر قوای طاغوتی غلبه کردیم».<sup>۸۲</sup>

بنابراین عزت‌سازی و عزت‌آوری یکی دیگر از نکاتی است که امام علی(ع) برای تبیین و تشریح جایگاه وحدت، بر آن تأکید کرده است. نکته مهمی که در این میان باید به آن توجه داشت، این است که انسان

فطرتاً عزت‌طلب و کرامت‌خواه است و منشأ و اساس تمام عزت‌ها خداوند عزت‌آفرین است<sup>۸۳</sup> و دیگران سراپا فقر و ذلت هستند و هر عزت‌خواهی غیر از خدا ذلت است<sup>۸۴</sup> و به هلاکت می‌انجامد.<sup>۸۵</sup> بر این اساس، هرکس به دنبال عزت‌یابی حقیقی و رهایی از ذلت است، باید آن را از خداوند طلب نماید؛<sup>۸۶</sup> آنچه عزت‌دهی الهی را به دنبال دارد، اطاعت و پیروی از دستورات او است.<sup>۸۷</sup> با این وصف، باید گفت: وحدتی عزت حقیقی و واقعی را به دنبال خواهد داشت که بر مدار طاعت الهی شکل گیرد، بنابراین تأکید آیات و روایات مبنی بر اعتصام حول تعالیم الهی<sup>۸۸</sup> ناظر به همین موضوع است. امام خمینی(ره) نیز در این باره می‌گوید: «هر اجتماعی مطلوب نیست، واعتصموا بحبل الله مطلوب است».<sup>۸۹</sup>

#### ۴) برکت‌آوری

برکت‌آوری، ریزش و تداوم نعمتهای الهی از جمله عوامل دیگری است که امام علی(ع) در تشریح جایگاه وحدت بر آن اشاره دارد. امام علی(ع) تفرقه و تشتت را مانع دریافت خیر الهی و برخوردارگی از خیر و برکت را در سایه وحدت و همدلی می‌داند و در این باره می‌فرماید: «وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفُرْقَةٍ خَيْرًا مِمَّنْ مَضَىٰ وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ»<sup>۹۰</sup> «خدای سبحان به هیچ گروهی چه از گذشتگان و چه باقیمانندگان، که جدایی‌گزینند، خیری عطا ننموده است». ایشان در کلامی دیگر برخوردارگی از یاری خداوند را در سایه جماعت می‌داند و می‌فرماید: «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ»<sup>۹۱</sup> «همانا دست یاری خدا با جماعت است». دست خدا بالاتر و برتر از هر دست دارای

۸۳. نساء، ۱۳۹؛ یونس، ۶۵.

۸۴. تصنیف غرر الحکم، ح ۱۰۹۸۴ و ۱۰۹۸۷.

۸۵. همان، ح ۱۰۹۸۵.

۸۶. فاطر، ۱۰.

۸۷. تصنیف غرر الحکم، ح ۳۴۹۵، ۳۴۹۷ و ۱۰۹۸۶.

۸۸. آل عمران، ۱۰۳؛ تصنیف غرر الحکم، ح ۵۸۴۲.

۸۹. صحیفه نور، ج ۸، ص ۳۳۴.

۹۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۹۱. همان، ج ۷، ص ۱۲۷.

۸۰. مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۶۳.

۸۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۸۲. صحیفه نور، ج ۷، ص ۶۵.

قدرت است<sup>۹۲</sup> و اگر دست یاری او بر کسی و چیزی قرار گیرد، به طور طبیعی بهتر و بیشتر از هر دست قدرتی، یاری و حمایت خواهد شد. این گونه روایات، بیان کننده آن است که وقتی اقشار و گروههای انسانی باهم شدند و فرد تبدیل به جماعت و نفس تبدیل به اجتماع گردد و اجتماع و جماعت نیز هدف و راهی واحد را آغاز کنند، سنت و قانون الهی حاکم بر جهان، این است که آنان در رسیدن به اهداف خود موفق شوند. پیامبر (ص) می فرماید: «الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَ الْفُرْقَةُ عَذَابٌ»<sup>۹۳</sup> «وحدت و اتحاد [باعث] رحمت و تفرق و فرقه گرایی عذاب است»، «فَإِنَّ الْبِرْكَاتِ فِي الْجَمَاعَةِ»<sup>۹۴</sup> «برکت در جماعت [گرایی] است» و «الْبِرْكَاتُ فِي ثَلَاثَةِ الْجَمَاعَةِ وَ السُّحُورِ وَ الثَّرِيدِ»<sup>۹۵</sup> «برکت در سه چیز است جماعت [گرایی]، سحری خوردن و ریزکردن نان در آبگوش».

دقت در فلسفه و چرایی برکت آوری، حقایقی را روشن می سازد که قابل توجه است، برای مثال اگر تنها به تأکید بر پرپایی نماز جماعت و توجه و اهتمام به آن، به عنوان یکی از مظاهر وحدت گرایی، توجه شود، به خوبی و روشنی چرایی و چگونگی برکت آوری وحدت روشن خواهد شد. برتری ثواب،<sup>۹۶</sup> علنی شدن اسلام،<sup>۹۷</sup> رافع بلاها،<sup>۹۸</sup> برآوردگی حاجات،<sup>۹۹</sup> برائت از نفاق و آتش جهنم به واسطه درک ۴۰ روزه نماز جماعت،<sup>۱۰۰</sup> علو درجات<sup>۱۰۱</sup> و ... از جمله برکاتی است که تنها به واسطه نماز جماعت به عنوان یکی از انواع جماعتها، نصیب انسان خواهد شد. با این اوصاف، اگر در عرصه

اجتماعی شاهد شکل گیری وحدت و انسجام فراگیر باشیم، برکات مادی و معنوی آن قابل تصور خواهد بود.

### ۵) وجود دشمنیها

اسلام و مسلمانی همیشه دشمنانی داشته و دارد که نسبت به آنها بغض شدید دارند<sup>۱۰۲</sup> و نمی خواهند و نمی توانند عزت و سیادت آنها را مشاهده کنند، بنابراین از هر فرصتی و به هر طریق ممکن، تلاش می کنند به مسلمانان ضربه زده و آنها را از جایگاه شایسته خود به زیر کشند و بر آنها مسلط شوند و منافع آنها را به یغما برند. مشاهده موارد متعدد دشمن ورزی دشمنان در ادوار مختلف تاریخ جامعه اسلامی، خود گویای این دشمنیها و تداوم آنها است. امام علی (ع) درباره شدت بغض و کینه اصحاب جمل (ناکثین) نسبت به مسلمانان و تلاش آنها برای نابودی مسلمانان این گونه می فرماید: «إِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ تَمَالَّوْا عَلَيَّ سَخَطَةَ إِمَارَتِي وَ سَأْضِرُّ مَا لَمْ أَحْفَ عَلَيَّ جَمَاعَتِكُمْ فَإِنَّهُمْ إِنْ تَمَّمُوا عَلَيَّ فَيَالَهُ هَذَا الرَّأْيِ انْقَطَعَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ»<sup>۱۰۳</sup> «اینان [ناکثین] به واسطه بغض و نارضایتی از حکومت من با یکدیگر یار و هم داستان شده اند و من صبر می کنم، تا آن گاه که بترسم که صبر من اختلاف و افتراق شما را در پی داشته باشد. اگر این اندیشه را که در سر دارند، به پایان برند، نظام کار مسلمانان از هم گسیخته گردد».

دشمنان برای آنکه بتوانند بهتر و زودتر به اهداف شوم خود دست یابند، به دنبال شناسایی نقاط عزت آفرین مسلمانان برآمده و به خوبی فهمیده اند آنچه این مهم را تحقق بخشیده، وحدت کلمه حول محور اسلام است و همین باعث نافرجامی اقدامات پایه افکن دشمنانشان شده است. امام علی (ع) این ناکامی را ناشی از انس و الفت و وحدت و همبستگی مسلمانان می داند و در این باره می فرماید: «فَإِذَا تَفَكَّرْتُمْ فِي تَفَاوُتِ حَالِهِمْ فَالْزُمُوا

۱۰۲. آل عمران، ۱۱۸.  
۱۰۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳.

۹۲. فتح، ۱۰.  
۹۳. نهج الفصاحه، ص ۴۳۳.  
۹۴. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۲۹۱.  
۹۵. طب النبی، ص ۲۰.  
۹۶. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۸۷.  
۹۷. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۶۲.  
۹۸. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۰.  
۹۹. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۸۹.  
۱۰۰. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۸۴.  
۱۰۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۴۰.





كُلُّ أَمْرٍ ... زَاخَتْ الْأَعْدَاءُ لَهُ عَنْهُمْ ... مِنَ الْإِجْتِنَابِ لِلْفُرْقَةِ  
وَ اللَّزُومِ لِلْأَلْفَةِ وَ التَّحَاصُّ عَليهَا وَ التَّوَاصِي بِهَا».<sup>۱۰۴</sup>

با این اوصاف، بیشتر اقدامات گذشته، حال و آینده دشمنان حول محور وحدت زدایی و ایجاد تفرقه و تشتت بین مسلمانان متمرکز شده است. آنان روی نقاط اختلافی مسلمانان انگشت می‌گذارند و دلها را پر از کینه به یکدیگر می‌کنند، برای اینکه بتوانند به هدفهای خود برسند.<sup>۱۰۵</sup> هر روز که می‌گذرد، بر این اقدامات خود می‌افزایند، تا مسلمانان را از اسلام و مسلمانی خارج کنند و به بیماری کفر خود درآورند. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «فَاخْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ عَدُوَّ اللَّهِ أَنْ يُعَدِّيَكُمْ بِدَائِهِ وَ أَنْ يَسْتَفِزَّكُمْ بِدَائِهِ وَ أَنْ يُجَلِبَ عَلَيْكُمْ بِخَيْلِهِ وَ رَجَلِهِ»<sup>۱۰۶</sup> «ای بندگان خدا! از دشمن خدا پرهیز کنید، مبادا شما را به بیماری خود مبتلا سازد، و با ندای خود شما را به حرکت درآورد، و با لشکرهای پیاده و سواره خود بر شما بتازد!».

بنابراین امام علی (ع) با بیانات خود به تلاش همیشگی دشمنان داخلی و خارجی برای شکستن شکوه، عظمت و عزت مسلمانان اشاره کرده است. امام خمینی (ره)، نیز در این باره می‌گوید: «آنهایی که می‌خواهند بین اهل سنت و اهل تشیع فاصله ایجاد کنند، نه سنی هستند و نه شیعه. آنها اصلاً به اسلام کاری ندارند؛ و الا کسی که به اسلام اعتقاد داشته باشد، در زمانی که ما باید با وحدت مسلمین پیروز بشویم، به اختلافات و مسائل اختلافی دامن نمی‌زند. اینها نیست جز اینکه قدرتهای بزرگ فهمیده‌اند آن چیزی که آنان را عقب زده است، اسلام و وحدت مسلمین و برادری بین همه امت اسلامی است، از این جهت شروع کرده‌اند اختلاف ایجاد کنند».<sup>۱۰۷</sup>

## نتیجه‌گیری

۱. امام علی (ع) با اشاره به مواردی نظیر: نیاز فطری

و درونی انسان به وحدت، فعلیت‌یابی بخش عمده‌ای از تعالیم دینی در پرتو آن، روح وحدت‌آمیز تعالیم دینی، نعمتی پیرارج و پربها و ضرورت شکرگزاری آن، عزت‌آفرینی، برکت‌آوری، و وجود دشمنیها، بر اهمیت و ضرورت وحدت تأکید می‌نماید. ایشان با سیره رفتاری خود نیز که سرشار از عشق و علاقه به پیامبر (ص)، دین و امت او است، برای حفظ و تداوم خط اسلام و مسلمانی، به وحدت‌گرایی تأکید کرده است.

۲. براساس گفتار و سیره امام علی (ع)، برای تحقق وحدت، باید به این موارد توجه داشت: الف) زوایای مختلف وجودی آن (آثار، مراتب، ابعاد، حدود و ...) مورد بررسی و بازشناسی دقیق قرار گیرد. ب) برای ایجاد میل و رغبت، آثار و برکات آن بیان گردد. ج) محوریت و اولویت اسلام و مسلمانی باشد، نه هر چیزی. د) همراه با عشق و علاقه قلبی به آن دعوت گردد، تا نهایت اثرگذاری حاصل شود.

۳. پرداختن به عواقب و پیامدهای تفرقه و اختلاف به عنوان نقطه مقابل وحدت، بررسی تاریخ تحلیلی صدر اسلام به صورت دقیق، بازشناسی سیره رفتاری و گفتاری ائمه دین در این زمینه، برجسته‌سازی نقاط مشترک و به حاشیه راندن و کم‌رنگ نمودن نقاط اختلافی بین مسلمانان، عمل‌گرایی، برگزاری جلسات تبیینی واقع‌بینانه اشتراکی و به دور از تعصبات مذهبی بین علمای مذاهب مختلف اسلامی، زمانه‌شناسی، مطالعه سرنوشت اقوام گذشته، توجه به آرمانها، اولویت سنجی، اهمیت سنجی، دشمن‌شناسی و ...، از جمله محورهایی است که با الهام از سیره امام علی (ع)، در راستای عملیاتی نمودن وحدت امت اسلامی، پیشنهاد می‌شود.

۱۰۴. همان، خطبه ۱۹۲.

۱۰۵. «سخنرانی در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)».

۱۰۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۱۰۷. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۲.

- قرآن کریم. ۱۳۷۲ ش.
- آمدی، عبدالواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، قم، داوری، ۱۳۸۶ ش.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن میثم بحرانی، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، بی جا، دفتر نشر کتاب، ۱۳۶۲ ش.
- اقبال لاهوری، محمد، کلیات اقبال لاهوری، تدوین: اکبر بهداروند، تهران، زوار، ۱۳۸۹ ش.
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
- خامنه‌ای، سید علی، «سخنرانی در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)»، ۱۳۸۴/۳/۱۴ ش.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ و مسعود انصاری، پیام پیامبر، تهران، منفرد، ۱۳۷۴ ش.
- خمینی، سید روح‌الله، صحیفه نور، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴ ش.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
- دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دارالقلم؛ بیروت، الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- شاه‌آبادی، محمدعلی، شذرات المعارف، تهران، ستاد بزرگداشت مقام عرفان و شهادت، ۱۳۸۱ ش.
- شری، محمدجواد، امام علی اسوه وحدت، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، قم، دارالهجره، بی تا.
- صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۴ ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- علیقلی محمد مهدی، نهج البلاغه از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- قضاعی، محمد بن سلامه، دستور معالم الحکم و مآثور مکارم الشیخ، ترجمه فیروز حریرچی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴ ق.
- مستغفری، ابوالعباس، طب النبوی، قم، شریف رضی، ۱۳۶۲ ش.
- مصباح یزدی، محمدتقی، «ضرورت شکرگزاری از نعمتهای معنوی»، ماهنامه معرفت، شماره ۱۶۸، ۱۳۹۰ ش.
- مطهری، مرتضی، فلسفه ابن‌سینا، قم، صدرا، ۱۳۸۰ ش.
- همو، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۸۵ ش.
- مفید، محمد بن محمد، الامالی، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.

